

۲۰۱۲/۱۲/۰۱

انجنیر فضل احمد افغان

## خط سیاہ دیورند مولود دسایس انگلیس و روس است قسمت چهارم

معاهده خط سیاہ دیورند ( سوم دانه سرطانی خبیثه).

انگلیسها با عقد معاهده گندمک با تصور اینکه موضوع خاتمه یافته، لارد لارڈ لیتین مؤفقیبت خود را جشن گرفته و به کرین بروک *Cran Brook* بتاريخ ۲۳ جون ۱۸۷۹ می نویسد که: "من فکر نمی کنم که شما اندیشه ای راجع به عملیات مؤفقانه و نتایج معاهده کابل و یا هر نوع مشکلی در اخراج عساکر داشته باشید. افغان ها بخاطر کوبیدن امیر شیرعلی خان و درس دادن به روس خوش و بما احترام خواهند گذاشت. . . افغان ها به یقین مارا به نارضایتی نخواهند دید. (۵-۱۱۸)".

جنرال رابرتس *Raberts* که به همراهی کیوناری به گندمک آمده بود دوباره به سمله برگشت و کیوناری بتاريخ ۲۴ جولای ۱۸۷۹ به کابل رسید و بعد از استقبال شایان از او در بالاحصار مسکن گزید و برای چند هفته وضع بکلی نارمل بود. سالزبری *Salisbury* صدراعظم انگلستان چنین نتیجه گیری کرد که مؤفقیبت در افغانستان موقوف شانرا در اروپا قویتر ساخت و آنرا پیروزی بر روسیه دانستند مخصوصاً اشغال سه راه اساسی دخول به هند یعنی کرم، سبی و پیشین که بصورت دائمی در تسلط انگلیسها و کنترل بالای سیاست خارجی را بدست گرفتند جنگ را خاتمه دانسته و افغانستان را بکلی در تصرف خود می دانستند. لهذا بتاريخ ۲۳ جولای بنا بر مشکلات اقتصادی در هند لازم دیدند که به اخراج عساکر شان اقدام نمایند. . . قرار بود آخرین قسمت از عساکر شان از قندهار بتاريخ ۸ سپتمبر ۱۸۷۹م خارج شوند. صبح ۳ سپتمبر بود که تعداد محدودی از عساکر هراتی قطعات سردار محمد ایوب خان که بکابل رسیده بودند بطرف بالاحصار در حرکت شدند و تقاضای معاش گذشته خود را می کردند. دیری نگذشته بود که از نقاط مختلف شهریان کابل نیز سرازیر شدند و به کمک هموطنان خود شناخته و بطرف منزل کیوناری در حرکت در آمدند.

وقتی از طرف قوای محافظ کیوناری بالای مهاجمین فیر شد مهاجمین فوراً ذخایر سلاح را درهم شکستند و خود را مسلح و جنگ آغاز شد... خلاصه کیوناری منزل خود را آتش زد و خودکشی نمود و تعدادی از همکاران و محافظینش هم کشته شدند. رابرتس که در سمله بود از حوادث قتل کیوناری توسط تلگرام از کرم خبر شد. موصوف موضوع را باطلاع لیتین رسانید و رابرتس را مؤظف ساخت که بدون معطلی در رأس قوایی بطرف کابل لشکر بکشد و نیز به قوای قندهار و جلال آباد هدایت برگشت و اشغال و کنترل مناطق شان داده شد.

من نمی خواهم به تفصیل جنگ دوم افغان و انگلیس صحبت کنم صرف می خواهم خوانندگان این نوشته را به ابلاغیه های انگلیس که بعد از نامه تسلیمت امیر صادر گردیده متوجه سازم که قرار ذیل می باشند.

"امیرمحمد یعقوب خان بعد از مرگ کیوناری وحشت زده بود با درک عواقب ناگوار آن می دانست که هدف لشکرکشی جنرال رابرتس بکابل انتقام جویانه می باشد و گناه کار و بی گناه را مجازات میکند. لهذا امیر اولاً طی مکتوبی عنوانی جنرال رابرتس به علی خیل تأثرات خود را در مورد وقوع حادثه غیر مترقبه و قتل کیوناری و هیأت معیتی اش را ابراز و در مکتوب دیگری از تصمیم خود راجع به مجازات اشرا را وعده داد و در اخیر مکتوب خود چنین نوشت "من بخداوند اتکا دارم که برای من فرصت داده شود که دوستی خود را بحکومت انگلیس ابراز و نام نیک خود را در مقابل جهانیان بدست آرم." (۵-۱۲۴).

"جنرال رابرتس به اساس هدایت لارد لارڈ لیتین بتاريخ ۱۶ سپتمبر ۱۸۷۹م اولین ابلاغیه خود را برای مردم افغانستان صادر کرد؛ هدف از تهاجم انگلیس مجازات اشخاصی است که در قتل هیأت انگلیس دست داشته اند و

دپانو شمیره: له ۱ تر 5

افغان جرمن آنلاين تاسو په درنښت همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادښت: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لېکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څېر و لولئ

همچنان حمایه از امیر است مشروط بر اینکه او روابط دوستانه را با انگلیس حفظ نماید. اشخاصیکه در کشتن هیأت انگلیس دخیل نبوده اند و به آمدن جنرال رابرتس مخالف نیستند نباید اندیشه مند باشند" (۵-۱۲۴).

"به تعقیب این ابلاغیه از امیر تقاضای اعزام هیأتی برای انجام مذاکرت خصوصی شد که امیر مستوفی حبیب الله خان و وزیر شاه محمود خان را مؤظف و به علیخیل اعزام داشت، هیأت مؤظف بتاريخ ۲۳ سپتمبر با جنرال رابرتس ملاقات نمودند و هیأت مؤظف پیام امیر را برای جنرال رابرتس اظهار داشت که امیر به تمام معنی حاضر به همکاری در ارتباط یافتن قاتلین کیوناری و مجازات آنها است مشروط بر اینکه برای امیر فرصت داده شود که در عوض عساکر سابقه عساکر جدید که طرف اعتماد امیر باشند استخدام و سپس در مورد اقدامات لازمه نماید. در غیر آن اگر جنرال جنرال رابرتس با عساکر انگلیس بطرف کابل حرکت کند عساکر سابقه و مردم در مقابل امیر که آنرا گدیگک انگلیس مینامند و قوای انگلیس قیام می شود" (۵-۱۲۴).

"چون انگلیس ها بالای امیر مشکوک بودند جنرال رابرتس امیر را به خوشی لوگرد خواست و او را در یک خیمه تحت نظارت سپاهین گورکه هندی قرارداد. و روز بعد جنرال رابرتس با معینی امیر بطرف کابل حرکت و ابلاغیه دیگر ذیل را صادر نمود.

کابل اشغال خواهد شد. آنانکه بالای هیأت انگلیس حمله نموده اند مجازات و هرکس که در داخل و اطراف کابل مسلح دیده شد دشمن انگلیس محسوب و اگر بدخول قوای انگلیسی مقاومت نشان داده شد جنرال جنرال رابرتس مسؤول عواقب آن خواهد بود." (۵-۱۲۴).

"جنرال جنرال رابرتس بتاريخ ۱۱ اکتوبر به شهر کابل رسید و از بالا حصار و منزل کیوناری بتاريخ ۱۲ اکتوبر دیدن بعمل آورد و بتاريخ ۱۳ اکتوبر در یونیفارم نظامی خود رسم گذشت را برای نشان دادن قوایی خود بمردم کابل انجام داد به تعقیب نمایش نظامی جنرال رابرتس بود که مخزن سلاح بالا حصار منفجر و باعث کشته شدن در حدود ۷۰ عسکر و یک تعداد زخمی گردید بناءً جنرال رابرتس تصمیم گرفت که از بالا حصار به شیرپور (که امروز بنام شیر چور شهرت دارد) نقل مکان نماید. چون اهداف اصلی لشکرکشی جنرال رابرتس بکابل عبارت بود از :

- ۱- مصونیت قوای انگلیس در کابل.

- ۲- ایجاد ارتباط مخابراتی بین کابل و سمله از طریق خیبر.

- ۳- مجازات اشخاص که در قتل کیوناری و هیأت انگلیس دست داشتند.

لارد لیتین با فهم اینکه امیر محمد یعقوبخان با عقد معاهده گندمک دیگر نزد ملت افغان اعتبار ندارد و برادرش سردار محمد ایوبخان در هرات بر ضد انگلیس قیام نموده و عبدالرحمن خان خود را به سرحد شمال افغانستان رسانیده بود. بهتر دانست که هرچه زودتر به تطبیق مجازات اقدام و به کار خاتمه داده شود لهذا برای جنرال رابرتس هدایت داد که: "شما نمی توانید منتظر گرفتاری سرحلقه های آشوبگران باشید. چه هریک از عساکر قطعه هراتی با هریک از اشخاص ملکی چه مجتهد باشد و یا نفر عادی و یا ملا و یا دهقانیکه در جمعیت حمله کنندگان اشتراک داشتند مسؤول اند. برای اینکه به احساسات انجمنهای انگلیسی جواب داده شده باشد بهتر خواهد بود که اعدامها به اساس فیصله کدام نوع مقام باصلاحیت قضایی صورتگیرد.

اما این نوع مقام باید خشن ترین و سریعترین نوع قضایی مثل محاکم میدان جنگ *Dramhead Court Martial Law* باشد مطلب از قضاوت بصورت معمول آن نیست بلکه مجازات است. لهذا با رسیدن شما بکابل باید عمل شود و هدف شما باید برخورد با وحشت باشد برای اینکه از حکمفرما شدن وحشت جلوگیری شود باید برخورد شما بسیار سریع و قاطع باشد." (۵-۱۴۰).

بعد از دو روز رسیدن جنرال رابرتس بکابل ابلاغیه شدیدی دیگر به چنین متن صادر نمود. "قوایی تحت قومانده من حال بکابل رسیده و بالا حصار را اشغال نموده اما در طول راه از طرف ساکنین شهر به مخالفت و اقدامات خصمانه روبرو شدند. فلها بر علاوه مرتکب شدن جرم قتل نماینده انگلیس و همکارانش به ترمرد در مقابل امیر نیز متهم میباشند." (۵-۱۴۰).

نویسنده انگلیس در مورد مجازات جنرال رابرتس چنین تبصره میکند که:

"استدلال مجازات اشخاصی را که مسؤول حمله به هیأت انگلیسی بودند معقول و بجا خواهد بود اما به ارتباط اینکه حق تهاجم را بر افغانستان و غصب نمودن قدرت حکومت افغانستان را داشتند یا خیر قابل بحث و سوال است و همچنان ادعای حق اعدام اشخاص را که مقامات در مقابل تجاوز انگلیسی بود و آن را ترمرد در مقابل امیر دانسته اند بکلی مردود و نادرست است." (۵-۱۴۱).

با آمدن جنرال رابرتس بکابل ملت آزاده، بیدار و باهوش افغان بنابر خصلت افغانی و وظیفه اسلامی که حب وطن را جز ایمان خود میدانستند تحمل رویه وحشتناک جنرال رابرتس را پذیرفته نمی توانستند لهذا اتحاد آهنین و شکستناپذیر خود را در مقابل قوای اشغالگرانگلیس اعلان و جنگ دوم افغان و انگلیس ۱۸۷۹م تحت رهبری غازیانکه از نقاط مختلف کشور متحد شده بودند و مردانه وار از طرف زنان قهرمان افغان با تهیه بسته های نان و رساندن مهمات نظامی حمایه و تشویق می شدند انگلیس را یکبار دیگر شکست داد که بعداً جنگ میوند تحت رهبری سردار محمد ایوبخان و قهرمانی زنان و مردان افغان خاصاً ملالی میوند و عبدالله عاشقان عارفانی در تاریخ افغانستان بخط زرین درج است.

انگلیسها با پذیرش شکست خود در کابل برطرفی امیر محمد یعقوبخان را چنین اعلان کردند. "من جنرال جنرال رابرتس به نمایندگی از دولت انگلیس اعلان میدارم که امیر برضای خود ترک وظیفه نموده و افغانستان را بدون حکومت رها کرد... دولت انگلیس بعد از مفاهمه با سران، بزرگان اقوام و تعداد دیگری که نمایندگی از علاقمندی و خواهشات مردم ولایات و شهرهای مختلف را میکنند ترتیبات لازمه را برای ایجاد یک حکومت دائمی خوب را برای مردم اتخاذ خواهند کرد." (۵-۱۴۵).

روسها با استفاده از موقع برای رسیدن هدف دیرینه خود که افغانستان را بین روسیه و هند تحت الحمایه انگلیس بحیث منطقه حایل بسازد عبدالرحمن خان را که در ترکستان روسیه زندگی می کرد از آمو به ترکستان افغانستان که مردم منطقه از قبل با او آشنائی داشتند فرستادند. روسها به این عقیده بودند که عبدالرحمن خان با سپری نمودن دوازده سال در روسیه برای آنها مفید و "فاز انگلیسی را پخته خواهد نمود." (۶-۱۹۰). و انگلیسها داخل شدن عبدالرحمن خان به افغانستان را برای ایجاد یک حکومت با ثبات خیری خوشی دانستند.

لذا لیل گرینف Lepal Griffin انگلیس که در کابل بود بتاريخ ۱۴ جون بر علاوه پیام شفاهی برای عبدالرحمن خان پیام کتبی نیز توسط نماینده خصوصی خود نزد عبدالرحمن خان فرستاد و برایش نوشته بود که:

"قرار اطلاع شما داخل افغانستان شده اید بناءً این مکتوب توسط نماینده خصوصی به شما ارسال شد که شما از نیات آمدن خود نماینده گان انگلیس را مطلع و از اهداف دخول خود در افغانستان به دولت انگلیس توضیحات لازمه ارائه بدارید. و همچنان شفاهی توسط مخبر شان به سردار عبدالرحمن خان گفته شد که روابط صمیمانه طولانی شان با روس بالای انگلیس تأثیری ندارد؟ در ختم نامه با آرزوی نیک اظهار علاقمندی دوام مکاتبه را نموده بود." (۶-۱۹۳).

سردار موضوع را با بزرگان همسفر خود در میان گذاشت که مقابلتاً بزرگان خواستند بسیار بشدت برای انگلیس جواب داده شود. اما سردار هوشیار در جواب برای همسفران خود گفت که در چنین حالت از جواب زشت چه نتیجه خواهیم گرفت بهتر و معقول خواهد بود که از آنها بیشتر بشنویم. لهذا مثل یک سیاستمدار از رسیدن مکتوب اطمینان داد و متن مکتوب سردار منعکس کننده عدالت و دوستی بوده و از حالت تحقیر آمیزیکه نباید در افغانستان واقع می شد و توسط امیر محمد یعقوبخان و مشاورین مضرش صورت گرفت یاد آور گردید و متذکر شد که یک امر ضروری است که افغانستان در آرامش و دوستی بین دو امپراتوری قرار داشته باشد. وی علاوه نمود که روسیه و انگلیس بین خود توأمیت افغانستان را تضمین کنند؛ و مخبر نیز حامل پیام شفاهی سردار به قرار ذیل بود.

"او برای دوازده سال نمک روسیه را خورده و نادرست خواهد بود که شرایطی را قبول نماید که به آنها بیوفا باشد. لهذا او ارزومندی دوستی را با هر دو قدرت نموده و خصوصاً با انگلیسها که انتظار گرفتن استقلال را از آنها دارد و بکمال خوشی آرزومند است که با ۵۰۰ رأس اسب به چاریکا بیاید و موضوع را مطرح نماید." (۶-۱۹۳).

بتاریخ ۲۰ جولای ۱۸۸۰م سردار به چاریکار رسید. با رسیدن سردار جنرال رابرتس فوراً بزرگان و سرداران را به دربار کابل دعوت و در حضور آنها عبدالرحمن خان را بحیث امیر کابل اعلان کرد. در هرات سردار محمد ایوبخان که عاشق آزادی و استقلال افغانستان بود و نمی خواست یک بلست از خاک مادروطنش در سلط بیگانه گان باشد بعد از تسلیمی قندهار به بطرف فراه، هلمند و و لشکرگاه لشکر کشید که در نتیجه غازیان افغانی و قوای انگلیسی در میوند در جنگ شدیدی روبرو و قوای انگلیس به شکست نهایی مواجه شدند. یک انگلیس چنین اعتراف میکند که:

"در تمام جنگهای افغان و برتانیه، جنگ میوند از برجسته ترین شکست برتانیه به شمار میرود." (۶-۱۹۸).

در کابل لیل گریفین *Lejal Griffin* بعد از یک هفته از اعلان امارت عبدالرحمن خان در کابل به چاریکار نزد سردار رفت و بتاريخ ۳۰ جولای ۱۸۸۰م اولین بار با سردار ملاقات کرد و سردار از گریفین درخواست تعهدات تحریری را نمود که مقابلتاً از طرف گریفین جواب تحریری ارائه شد که:

"بعد از تقدیم احترام جلالتماب گورنرجنرال به افتخار اطلاع حاصل نمود که ولاحضرت شما به اساس دعوت دولت انگلیس بطرف کابل در حرکت میباشید. فلهاذا با در نظر داشت احساسات دوستانه ولاحضرت شما و ایجاد روحیه اطمینان در سرداران و مردم به تأسیس یک حکومت تحت رهبری ولاحضرت شما اطمینان میدهم که دولت انگلیس ولاحضرت شما را بحیث امیر کابل میشناسد ( انگلیسها برای اولین بار امیر افغانستان را والاحضرت خطاب میکنند). بر علاوه برای من صلاحیت داده شده که به اطلاع شما برسانم که دولت انگلیس هیچ علاقه ندارد که در امور داخلی مناطق تحت اداره ولاحضرت شما مداخله نماید و نمیخواهد که نماینده مقیم انگلیسی را در هیچ یک از مناطق تحت اداره شما تعیین نماید، بلکه صرف برای حفظ روابط دوستی عادی که بین دو کشور مجاز برقرار می باشد لازم خواهد بود که یکنفر نماینده مسلمان را دولت انگلیس به اساس یک موافقه در کابل مقیم سازد. چون ولاحضرت شما خواهش نموده بودید که نظر و تصمیم دولت انگلیس را در مورد روابط شما با قوای خارجی نیز واضح و به توجه ولاحضرت شما رسانیده شود. اظهار میگردد که نایب السلطنه و گورنر جنرال برای من صلاحیت داده که برای ولاحضرت شما واضح سازم که چون ایران و روسیه هر دو به خوشی قبول و اطمینان داده اند که از مداخله در امور افغانستان اجتناب میکنند. لهاذا واضح است که والاحضرت شما با هیچ قدرت خارجی به استثنای دولت انگلیس روابط داشته نمی توانید. اگر هر قدرت خارجی تلاش مداخله را در امور افغانستان نماید و چنین مداخله و یا تجاوز تحریک نشده بدومنین والاحضرت شما بدون محافظه کاری مشوره های دولت انگلیس را به ارتباط روابط خارجی تعقیب نماید." (۱۹۶-۶).

با ختم بیانیه سردار عبدالرحمن خان رسماً بحیث امیر کابل قبول شد و بتاريخ ۱۰ اگست ۱۸۸۰م ششخصاً برای وداع عساکر انگلیسی که به قومندانی سر دونالد ستورت *Sir .D. Stewart* از کابل به هند برمی گشتند حاضر و اشتراک ورزید و امارت کابل را اشغال کرد.

امیر عبدالرحمن خان با صلاحیت که در امور داخلی از طرف انگلیس برایش داده شده بود سبب داشت که با مشت آهنین خود افغانستان سه پارچه را واحد و مخالفین خود وانگیسها را با دوستان سردار محمدایوبخان، غازیان جنگ اول و دوم افغان وانگیس را با کشتن و فرار کردن به هند از بین ببرد که یکی از قربانی شده گان آنوقت جد امجد این نویسنده یعنی عبدالصمد خان درانی (پوپل) نواسه احمدخان درانی ای که در پهلوی مرقد شیخ سعدالدین انصاری در پایمنار کابل دفن گردیده می باشد که بطرفداری از سردار محمدایوبخان و دشمنی به توطیه های انگلیس اشغالگر فعالیت می کرد، توسط امیرچشمانش نشتر زده شد و با خانواده های سه برادرش هریک سعادت خان، سلطان خان و وحدت خان برای بیست و دو سال به هند فرار و همه جایداد شان ضبط گردید می باشد. که بعداً پدر نویسنده عبدالستار خان درانی (پوپل) که در هند تولد و بعد از بازگشت در زمان امیر حبیب الله خان بحیث بزرگ قوم خود بود مجدداً قسمت از جایادهای ضبط شده را در تصرف خانواده احمد خان درآورد.

همچنان تعداد از بیگناهان که بجز از ادعای حق مسلم شان یعنی آزادی مادروطن عزیز از یوغ اسارت انگلیس چیزی دیگری نبود یکی بعد دیگر به انواع مختلف از مجازات چون زندانی کردن، فرار از مادروطن کردن، در سیاه چاه ها انداختن و انواع سگنجه ها و غیره و غیره قربانی آرزوهای شوم انگلیس و آرامی امیر در داخل گردیدند. و درملت قدرتی را نماند که بمخالفت خودش و یا انگلیس قیام نمایند.

چون انگلیسها با دو جنگ در افغانستان نمی توانستند سیاست پیشروی که سرحد خود را بدریائی آمو برساند عملی نمایند لهاذا با روسیه در یک معاملگری که مناطق ماورای دریایی آمو چون قسمتهای پنجه، روشان، ذوالفقار و پامیرکلان را که در یک نقطه با چین نیز همسرحد میگردد به روسها واگذار و با عقد معاهده دیگری با امیر عبدالرحمن خان سرحد خود را پیشتر بداخل افغانستان پیشبرده و آنچه را که روسها قبلاً با انگلیسها در دوره امیر شیرعلیخان پیشنهاد کرده بودند و خواب تبدیل افغانستان را بحیث منطقه (حایل) *Buffer State* بین انگلیس و روسیه میدیدند عملی و خودشان در منطقه (آسیایی مرکزی) تحت تصرف خود آزادانه پلانهای شوم طویل المدت آینده خود را به پیش ببرند این است که بعد از سیزده سال امارت امیر عبدالرحمن خان انگلیسها برای رسیدن به هدف خود اولاً تهدیدات نظامی را علیه یوسف زایبها و اورکزاییها و دیگر مردم سرحدی شروع و ثانیاً بین اقوام مختلف مناطق اختلافات را خلق، سپس بحیث میانجی و مصلح در بین شان درآمدند و بادادن پول به بعضی از خوانین و ملاها را در جنگال خود آورده و مردم منطقه را تحت تربیه نظامی قرار دادند. گرچه امیر عبدالرحمن

خان برخلاف عقیده امیر شیرعلیخان نسبت به روس به انگلیس عقیده دوستی را داشت اما بعداً درک کرد که آنچه را خودش در مقابل انگلیسها تصور می کرد نیست لهذا امیر برای دفاع از سرحدات خود در حدود دوصد هزار عسکر را تهیه دید و اعلان جهاد را در مقابل انگلیس نمود و کوشش کرد که به خوانین و اشخاص با نفوذ قبایل نیز پول بدهد اما امیر در مقابل اقتصاد قوی انگلیس نمی توانست رقابت نماید و نمی توانست با صرف پول بیشتر از انگلیسها عده از خوانین بلوچ و پشتونهای قبایل را خرید و در مقابل انگلیس از آنها استفاده نماید.

با آنهم اقدامات امیر عبدالرحمن خان غیر مؤثر نبود و انگلیسها را به تشویش روبرو ساخت لهذا انگلیس بسیار ماهرانه برای تثبیت سرحدات جنوبی، جنوب شرقی و جنوب غربی افغانستان از در مصالحه و سیاست با امیر پیش آمدند یعنی با تهدید تهاجم قوای نظامی و استفاده از شمشیر سیاست خواستند یک بفرست *Buffer State* دیگری را بین افغانستان امروزی و ماورای دریایی سند تعیین نمایند" (۱-۶۹۲).

(به عقید نویسنده این نوشته قراریکه در فوق ذکر شد هدف از منطقه حائیل بین هند برتانوی و روسیه بود نه افغانستان و ماورای دریایی سند).

لهذا هیأت ۱۳ نفری را تحت ریاست سر هنری ماتین دیورند *Sir H. Mortimer Durand* را که حیثیت سکرتریت امور خارجی انگلیس در هند را داشت به دربار امیر عبدالرحمن خان بکابل اعزام و بعد از مذاکرت چهل روزه با مقامات افغانی موفق شدند که بتاريخ ۱۲ نومبر ۱۸۹۳م در مقابل تادیه سالانه هجده لک (۶+۱۲) روپیه هندی به افغانستان موافقه شود و با یک خط سیاه دیگری برادران و خواهران همدین، همزبان و با فرهنگ را بدون احترام به حق زندگی مشترک شان غیر عادلانه از هم جدا نمودند.

معاهده دیورند را نویسنده دانه سوم سرطانه خبیثه نامیده که دو دانه قبلی را باخود چنان سخت گره زد که الی امروز هیچ جراحی موفق به باز کردن آن نشده و زنگ خطری را به فضایی کابل یعنی پایتخت زیبایی افغانستان آویختند و مادروطن را نه تنها در حدود اربعه امروزی بحیث یک کشور محاط به خشکه در آورد بلکه به مرور زمان بطرف گودال بدبختی و قهقرا نیز سوق داده و امروز باز هم از این جاه و آنجاه صدای زنگ خطری برسیمت شناختن آنرا میشنویم

با عقد معاهده خواهران و برادران ماورای خط سیاه دیورند جدی مخالفت خود را اعلان اما چون انگلیسها هم زور داشتند و هم زر لهذا علرغم کمکهای مالی و تحریکات مخفی امیر عبدالرحمن خان صدای برحق شانرا کسی نشنید. در اواخر دوره امیر عبدالرحمن خان لارد کرزن بحیث ویسرای هند برتانوی مؤظف گردید. موصوف بنا بر خصلت خود خواهانه و جاطلبانه لارد لیتین *Lytton* مانند ویسرای قبلی خواست با تجدید نظر بر معاهده خط سیاه دیورند امتیازات بیشتری را برای انگلیس حاصل و افغانستان را بار دیگر بخون ملت آن بحیث یک دیوار آهنینی قویتر در مقابل روسیه تزاری قرار بدهد بناءً مطلب ذیل را در مورد معاهده جدید پیشکش امیر عبدالرحمن خان نمود.

"- تجدید نظر بر خط دیورند از نقطه نظر سوق الجیشی حکومت هند.

- مراقبت بر ورود اسلحه به افغانستان و استعمال آن .

- خوداری افغانستان از کمک به قبایل واقع در ماورای دیورند در گفتار و عمل .

- تعیین صاحب منصبان برتانویدر افغانستان برای اتخاذ ترتیبات دفاعی در مقابل روسیه" (۳-۴۴۰).

اما قبل از آنکه در مورد نامه لارد کرزن *Lord Curzan* جواب مثبت و یا منفی داده شود امیر عبدالرحمن بتاریخ اول اکتوبر (۱۹۰۱م) در اثر مریضی طولانی که عاید حالش بود در قصر باغ بالایی کابل، جان به حق تسلیم و تصمیمگیری در مورد پیشنهاد لارد کرزن برای پسر ارشدش امیر حبیب الله خان بمیراث ماند.

جناب رحمت ربی زیرکیار می نویسد که امیر عبدالرحمن خان در خاطرات خود می نویسد که: او نامه ای را از ویسرای انگلیس دریافت که در واقعیت امر اخطاریه ای بود و از جناب سرور رنا که دیپلمات ورزیده وزارت خارجه افغانستان بود نقل قول می کند که ما را به معجزه امیر عبدالرحمن خان متوجه ساخت و ان این است که: "دولت برتانوی در هند برای امیر نوشت که هیأتی را تعیین فرمایند که سرحد را تثبیت کنند، اما امیر بسیار ماهرانه جواب نامه را به تعویق می انداخت و برای شان استدلال می کرد که اگر ما نامه برتانیه را به اطلاع رهبران مذهبی و قومی برسانیم که برایش اجازه بدهند آنها جنگ را در مقابل شان اعلام خواهند کرد. آقای رنا نامه فوق الذکر را خودش در وزارت خارجه خوانده و اظهار می دارد که متن نوشته امیر عبدالرحمن خان در عقب نوشته متذکره برتانیه تحریر گردیده و آنرا بحیث یک خاطره نیز به نشر رسانیده.

پایان قسمت چهارم

ادامه دارد

د پائو شمیره: له ۵ تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنیت تاسو همکاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادښت: دلیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هبله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ